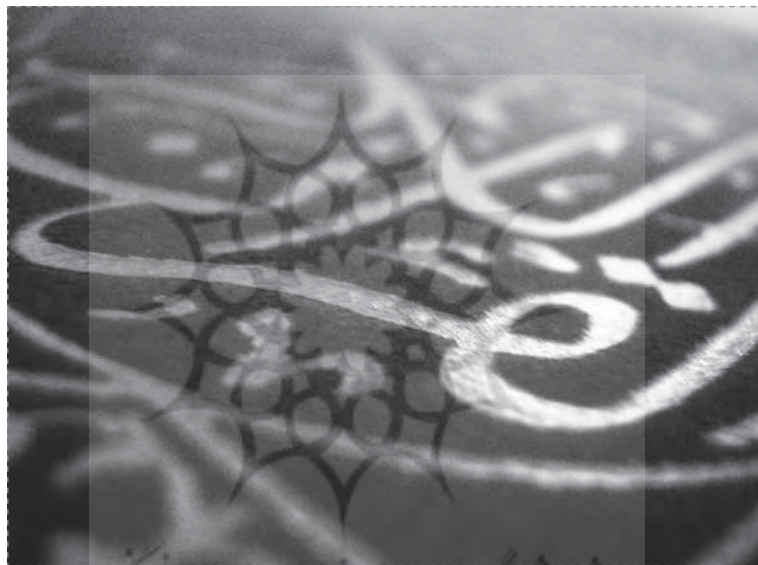


فلسفه و حکمت تشریح روزه

روح‌الله کیانی^۱
محمدابراهیم ماروسی



چکیده

بیان مسائل مختلف از نیازهای زندگی روزمره انسان، بی‌شک در کلام الهی گنجانده شده است؛^۲ که با تلاوت آن «بخوان»^۳ «شفا و رحمت برای مؤمنان...»^۴ پدید می‌آید و بشر، هدایت و رستگاری را خواهد آموخت و از سوی دیگر در اندیشه مسلمان، هر حکم و دستوری که در قرآن نازل شده، دارای ملاک، مصلحت و حکمتی ویژه است، زیرا آفریدگار جهان عالم و

حکیم است:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ»^۵
 «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ»^۶
 «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا»^۷
 «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»^۸
 و «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»^۹





در این آیات، رابطه‌ای عمیق میان حسن آفرینش، قانون‌مند بودن، حق بودن و پوچ و باطل نبودن آن، مشهود است و در آیات دیگر، پیوند و پیوستگی میان خلقت و هدایت در نظام احسن آفرینش تبیین شده است:

«رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^{۱۱}

چنانکه هدایت الهی در آیه‌ای دیگر مبتنی بر سنجش و محاسبه و ملاک و معیار معرفی شده است:

«سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهْدَى»^{۱۲}

نزول قرآن، بی‌تردید در جهت هدایت و عرضه برنامه زندگی به انسان صورت گرفته است:

«وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ»^{۱۳}

بخشی از آیات این کتاب هدایت‌گر و متعالی، مربوط به احکام و بایدها و نبایدهایی است که خداوند برای خلق تعیین فرموده است و از جمله این بایدها و نبایدها آیاتی است که در مقام تشریح و تبیین وجوب روزه است و بر اساس آنچه یاد شد، این حکم نیز نمی‌تواند بدون ملاک و به دور از مصلحت و سنجش باشد. این مقاله بر آن است تا زوایایی از فلسفه و چرایی وجوب روزه و مصلحت این حکم الهی پرده بردارد.

واژگان کلیدی: فلسفه، علت، اثرات روزه،

فلسفه روزه

مقدمه

انسان علاوه بر جنبه مادی و جسمی، دارای جنبه معنوی و روحی هم است و هر یک از آنها در رسیدن به کمال مطلوب خود، برنامه‌های خاصی احتیاج دارند. یکی از برنامه‌هایی که جنبه‌های مادی و معنوی را با خود به همراه دارد، روزه است. روزه فواید جسمی و روحی فراوان دارد، شفا بخش جسم و توان‌بخش جان است، پاک‌کننده آدمی از رذایل حیوانی است، در ساختن فرد صالح و اجتماع سالم بسیار مؤثر بوده و در تهذیب و تزکیه نفس و رها کردن انسان از روزمرگی و واماندگی در نیازهای تن تأثیر بسزایی دارد. روزه یکی از احکام انسان‌ساز اسلام است که آگاهی از همه فواید و پی بردن به فلسفه کامل آن همچون سایر احکام الهی برای انسان عادی ممکن نیست، دانش محدود بشر نمی‌تواند راه‌گشای همه اسرار نهفته باشد و اندیشه را به پاسخ همه مجهولات رهنمون شود، شاید روزی دانش انسان به حدی از کمال برسد که دریچه تازه‌ای بر روی بشر بگشاید و حکمت‌ها و دستورات اسلام را باز شناسد. بنابراین ندانستن فلسفه احکام الهی نباید ما را از انجام آن باز دارد زیرا که خدای جهان بر همه چیز دانا و از همه چیز آگاه است پس اگر به چیزی فرمان می‌دهد خیر و سعادت ما در آن است و کمال و تعالی ما بدان بستگی دارد و هر چیزی را نهی می‌فرماید برای ما زیان‌بخش است و بر مصالح مادی و معنوی ما لطمه می‌زند.

مفهوم‌شناسی واژه فلسفه

واژه فلسفه کاربردهای گوناگون و معانی متفاوتی دارد. این واژه، گاه به گونه مطلق (بدون قید) و گاه به گونه پسوند مبانی فلسفه، تاریخ فلسفه و... زمانی به شکل پیشوند (فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه هنر، فلسفه دین و...) به کار رفته است. فلسفه به صورت مطلق، به معنای فلسفه خاص است؛ یعنی: «علمی که در آن از عوارض موجود از آن جهت که موجود است، بحث می‌شود.»^{۱۴} واژه فلسفه هرگاه به صورت پسوند به کار رود، به معنای فلسفه‌ای است که حکما آن را به نظری و عملی تقسیم کرده‌اند؛ عملی را شامل تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدنی دانسته‌اند و نظری را به طبیعیات، الهیات و ریاضیات تقسیم کرده‌اند. بنابراین تاریخ فلسفه یعنی کاوش در زمان پیدایش، رشد و سیر تکامل مباحث فلسفی و شخصیت‌های نقش‌آفرین و برجسته آن؛ ولی هرگاه فلسفه به گونه پیشوند آورده شود، معانی گوناگون از آن اراده می‌شود. به عنوان نمونه «فلسفه اسلامی» به معنای آن بخش از مباحث فلسفی است که در میان اندیشمندان اسلامی مطرح شده و رشد یافته است. «فلسفه مردمی» بر مجموع پژوهش‌ها و مطالعاتی اطلاق می‌شود که در جهت تأیید و تأکید تمایلات آزادی‌خواهانه است. «ولف» آن را آغاز کرد و در آلمان رواج یافت.^{۱۵} ولی در برخی از این واژه‌ها، فلسفه به علمی از علوم اضافه شده است؛ مثل: فلسفه حقوق، فلسفه هنر، فلسفه تاریخ و... در این واژه‌ها، فلسفه به

معنای «علم‌شناسی» علم است. موضوع علم تاریخ، وقایع گذشته و تجزیه و تحلیل آن‌هاست، ولی موضوع فلسفه تاریخ، خود علم تاریخ است. به هر تقدیر، در این نوشته، منظور ما از فلسفه، معنایی دیگر است. وقتی فلسفه احکام را مطرح می‌کنیم، نظر به شناخت حکمت تشریح احکام از سوی خداوند داریم و درصدد هستیم تا حکمت، مصلحت و اهداف لحاظ شده در آن احکام را مورد شناسایی قرار دهیم.

شناسه مفهومی صوم

در فرهنگ قرآن، از روزه به «صوم» تعبیر شده است. صوم در لغت به معنای برخاستن است بی‌آنکه بعد از آن کاری شود. نزد بعضی، صوم به معنای امساک (نگاه داشتن) است. هر یک از دو معنا با معنای شرعی مناسبت دارد و آن نگاه داشتن خود است بر وجه شرع در روز از آنچه در شرع او را مفطر خوانند با نیت.^{۱۶} در جای دیگر آمده: صوم به معنای روزه. اصل آن امساک از مطلق فعل است، خوردن باشد، یا گفتن، یا رفتن. صوم اسلامی امساک مخصوصی است از طعام و چیزهای دیگر که از طلوع فجر شروع شده و با رسیدن شب به پایان می‌رسد.^{۱۷}

در «التبیین» از صوم چنین تعریف شده است: «الصَّوْمُ فِي الشَّرْعِ هُوَ الْاِمْسَاكُ عَنْ اَشْيَاءَ مَخْصُوصَةٍ عَلَيَّ وَجْهٍ مَخْصُوصٍ مِمَّنْ هُوَ عَلَيَّ صِفَاتٍ مَخْصُوصَةٍ وَ مِنْ شَرْطِ اِنْعِقَادِ النِّيَّةِ



روزه در شرع، عبارت است از: خودداری کردن از خوردن اشیاء خاص و ویژه؛ بر وجه مخصوص؛ از کسانی که دارای خصوصیات ویژه هستند و به شرط بستن نیت»^{۱۸}

پیشینه شناخت فلسفه احکام

بررسی فلسفه احکام و تلاش برای شناخت حکمت افعال و اوامر و نواهی خداوند، کاری نوپیدا نیست و عمری به درازای عمر ادیان الهی و اندیشه انسان در شناخت پیام وحی دارد. تحقیق درباره فلسفه افعال و اراده الهی، مخصوص انسان و محدود به تاریخ زندگی بشر در کره خاکی نبوده است، بلکه بر اساس آیات قرآن، پیش از آفرینش آدم، فرشتگان به وسیله خداوند از پیدایش موجودی به نام آدم در زمین، باخبر شدند و درصدد برآمدند تا حکمت این آفرینش را بدانند:^{۱۹}

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ

هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد، فرشتگان گفتند: پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی می‌کند».^{۲۰}

قرآن با طرح این آیات، برای مخاطبان خود، نوعی پیام دارد و آن این است که فرشتگان با همه مقام اطاعت و تسلیمی که به درگاه

پروردگار دارند، این حق را یافتند که از فلسفه فعل و اراده الهی جويا شوند و خداوند هم با دلایل قانع کننده، ایشان را پاسخ داد و به ایشان ثابت کرد که افعال الهی عالمانه‌ترین است و بدون ملاک و مصلحت نیست. در بسیاری از آیات دیگر قرآن، برای احکام و رهنمودهای وحی، فلسفه و حکمت یاد شده است که در ادامه همین بحث به فراخور موضوع بحثمان به فلسفه وجوب روزه اشاره خواهیم کرد. وجود این آیات در قرآن، این فهم را در مخاطبان آن به وجود آورده است که هیچ فعل، حکم، اراده و سخن الهی بدون حکمت و فلسفه نیست.

چرایی کنکاش در مورد فلسفه احکام

برخی نسبت به فهم و تحقیق فلسفه احکام اظهار نگرانی کرده و آن را کار پسندیده‌ای نمی‌پندارند زیرا معتقدند:

اولاً: توجه به آثار حاصله از عبادت ممکن است لطمه به قصد قربت بزند.

ثانیاً: چون در همه موارد ارائه علت احکام و درک فلسفه آن‌ها میسر نباشد و عقل را یارای درک مصالح و مفسد قوانین الهی نبوده و به تعبیری بعضی از احکام در چراگاه عقل نمی‌باشد و اصولاً دانش بشر در حال تکامل و تغییر است، شاید بهتر باشد اجرای احکام تعبدی انجام گیرد.^{۲۱}

ولی در جواب باید گفت: طبع کنجکاو انسان، با این مطلب قانع نمی‌شود که بگوییم احکام صرفاً تعبدی است و دیگر حدّ و مرز آن



را توضیح ندهیم. افزون بر این، بیشتر فقها این مسلک را پذیرفته‌اند و این قاعده را قبول کرده‌اند که: «الشَّرعُ معلَّلٌ بالمصالح» و بر این اساس، عقل را در شناخت بخشی از علت‌های احکام و مصالح و مفاسد آن، موقِّق دانسته‌اند هرچند که در بخش دیگر، تعبد را لازم شمرده‌اند؛ زیرا در شرع، اموری به عنوان سبب حکم و یا شرط و مانع برای حکم معرفی شده است که علت مناسبت آن‌ها برای ما روشن نیست.

هم‌چنین اگر به سیره پیامبر اکرم (ص) که از قرآن کریم استفاده می‌شود توجه کنیم، می‌فهمیم مردم زمان پیامبر اکرم (ص) هرگاه راجع به فلسفه احکام از قبیل حرام بودن قمار و شراب از آن حضرت می‌پرسیدند، پیامبر گرامی اسلام نمی‌فرمود شما نمی‌دانید و نمی‌فهمید بلکه بسیار متین و منطقی جواب می‌داد و گاه خداوند متعال، آن حضرت را راهنمایی می‌فرمود که فلسفه احکام را به مردم بگو؛ مثلاً در سوره بقره درباره قمار و شراب خداوند می‌فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»^{۲۲}

و یا در آیه دیگر به پاره‌ای از زیان‌های آشکار شراب و قمار پرداخته و می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَابْغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»^{۲۳}

اگر ما تمام کوشش‌های لازم را برای آگاهی از فلسفه یک حکم به کار بردیم ولی

به دست نیاوردیم، هرگز نمی‌توانیم آن حکم را نادیده بگیریم و یا بگوییم این حکم هیچ فایده و مصلحتی در بر ندارد، زیرا عدم درک مصلحت غیر از آن است که مصلحتی نداشته باشد. حضرت رضا (ع) می‌فرماید:

«إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحَ الْعِبَادِ وَبِقَاؤُهُمْ وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَ وَجَدْنَا الْمُحْرَمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا الْفَنَاءَ وَ الْهَلَاكَ»^{۲۴}

فلسفه و حکمت تشریح روزه

الف. فلسفه روزه در منظر قرآن

آیات قرآن مجید مهم‌ترین و متقن‌ترین منبع شناخت فلسفه احکام می‌باشند. در قرآن کریم به ده‌ها آیه برمی‌خوریم که حکمت افعال و احکام الهی را بیان کرده است. از جمله این آیات، آیه ۱۸۳ سوره بقره است که در باب تشریح حکم روزه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۲۵}

خداوند در این آیه بعد از بیان وجوب روزه، فلسفه این فریضه الهی را تقوا و پرهیزگاری می‌داند. تقوا به معنای پرهیزگاری، ترسیدن از حق تعالی و دوری دل از گناه است^{۲۶} و در پرتو این تقوا است که انسان حقیقت بین می‌شود.

چون که تقوا بست دو دست هوا حق گشاید هر دو دست عقل را



به بیان دیگر؛ فایده و علت غایی روزه در این آیه، تقوا بیان شده است و آن سودی است که عاید خود شخص می‌شود، و فایده داشتن تقوا مطلبی است که احدی در آن شک ندارد. سخن کوتاه آنکه از هر چیزی که او را از پروردگار تبارک و تعالی مشغول سازد بپرهیزد. وقتی پیامبر^(ص) در خطبه شعبانیه، فضائل ماه رمضان و روزه را برشمرد، امیرالمؤمنین علی^(ع) پرسید: بهترین اعمال در این ماه چیست؟ در پاسخ پیامبر^(ص) فرمود:

«الْوَرَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ»

پرهیز و اجتناب از معاصی و گناهان^{۲۷}

بنابراین روزه عامل بازدارنده از گناه و عامل سرکوب کننده نفس عصیان‌گر است. و این تقوا تنها از راه روزه و خودداری از شهوات به دست می‌آید و نزدیک‌ترین راه و مؤثرترین رژیم معنوی و عمومی‌ترین آن است به طوری که همه مردم در همه اعصار بتوانند از آن بهره‌مند شوند، و آن عبارت است از خودداری از شهوتی که همه مردم در همه اعصار مبتلای به آنند و آن عبارت است از شهوت شکم از خوردن و آشامیدن، و شهوت جنسی که اگر مدتی از این سه چیز پرهیز کنند و این ورزش را تمرین نمایند، به تدریج نیروی خویشنداری از گناهان در آنان قوت می‌گیرد و نیز به تدریج بر اراده خود مسلط می‌شوند، آن وقت در برابر هر گناهی عنان اختیار از کف نمی‌دهند و نیز در تقرب به خدای سبحان دچار سستی نمی‌گردند، پر واضح است کسی که خدا را در دعوتش به

اجتناب از خوردن و نوشیدن و عمل جنسی که امری مباح است اجابت می‌کند، قهراً در اجابت دعوت به اجتناب از گناهان و نافرمانی‌ها شنواتر و مطیع‌تر خواهد بود، این است معنای آنکه فرمود: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۲۸}

مولوی گوید:

هست روزه ظاهر، امساک طعام
روزه معنی، توجه دان تمام
این دهان بستنی، دهانی، باز شد
که خورنده، دانه‌های راز شد
جوع مر خاصان حق را داده‌اند
تا شود از جوع شیر زورمند

بیان این آیه و موضوع تقوا به عنوان هدف و فلسفه روزه به این معنا نیست که هیچ هدف و حکمت دیگری در روزه منظور نشده باشد و تمام فلسفه و حکمت آن، همین باشد، بلکه ممکن است تقوا و خودسازی، مهم‌ترین هدف و حکمت آن بوده و اهداف و حکمت‌های دیگر نیز در آن باشد، یا تقوا، هدف نهایی روزه باشد و اهداف و حکمت‌های دیگر پیش از آن و یا در ضمن آن نیز در روزه گرفتن تحقق داشته باشد، به همین خاطر در روایات و احادیث، حکمت‌های بی‌شماری برای روزه‌داری بیان شده است؛ که در ادامه به ارزیابی آن می‌پردازیم.

ب. فلسفه روزه از نگاه پیامبر اکرم^(ص)

در مورد روزه از رسول رحمت^(ص) چندین سخن روایت شده که هر کدام پیام و اشاره به سرّ و اسرار این وظیفه عبادی دارد که به اختصار



به بیان چند کلام بسنده می‌کنیم.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«الْمَعِدَّةُ بَيْتٌ كُلُّ ذَائٍ وَ الْحِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ»

معدده مرکز و خانه هر دردی است، و پرهیز و اجتناب (از غذاهای نامناسب و زیاده‌خوری) اساس هر داروی شفابخش است.^{۲۹}

همچنین می‌فرماید:

«صُومُوا تَصِحُّوا»

روزه بگیرد تا سالم بمانید.^{۳۰}

شاید به همین دلیل باشد که قضای روزه بر همه واجب است. حتی زن حائض که قضای نمازهایش بر او واجب نیست، ولی قضای روزه‌های نگرفته بر او واجب است؛ و یا می‌فرماید:

«لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ»

برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است.^{۳۱}

این سخنان اشاره به اثرات و بازتاب‌های مادی و فیزیکی روزه و سلامتی دارد که برای بدن به همراه می‌آورد. همچنین رسول اکرم (ص) در خطبه شعبانیه فرمودند:

«وَ ادْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَهُ»

به وسیله گرسنگی و تشنگی از روزه‌داریتان، گرسنگی‌ها و تشنگی‌های روز قیامت را به یاد آورید، که این یادآوری انسان را به فکر تدارک برای قیامت می‌اندازد تا جد و جهد

بیشتری در کسب رضای خدا کند.^{۳۲}

ج. فلسفه فردی و جوب روزه

روزه، کارکردهای مختلف در زمینه فردی و اجتماعی دارد که در ادامه به بیان فلسفه فردی و فوایدی که برای شخص روزه‌دار به همراه دارد، می‌پردازیم:

۱. حکمت و یقین

رسول گرامی (ص) فرمودند: در شب معراج

گفتم:

«يَا رَبِّ وَ مَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ قَالَ الصَّوْمُ يُورِثُ الْحِكْمَةَ وَ الْحِكْمَةُ تُورِثُ الْمَعْرِفَةَ وَ الْمَعْرِفَةُ تُورِثُ الْيَقِينَ فَإِذَا اسْتَيْقَنَ الْعَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ بِعَشْرِ أَمْ يُسْرٍ»

در معراج عرض کردم: پروردگارا! میراث روزه‌داری چیست؟ ندا رسید: روزه باعث پیدایش «حکمت»^{۳۳} [در انسان] است و حکمت نیز مایه پیدایش «معرفت» است و معرفت عامل حصول «یقین» [در جان آدمی] است و آن‌گاه که بنده‌ای به یقین برسد، باکی ندارد که چگونه زندگی وی می‌گذرد؛ در سختی یا راحتی^{۳۴}؟

۲. تقویت اخلاص

حضرت زهرا (ص) در این باره می‌فرماید:

«فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَنْبِيْهُنَا لِلْإِخْلَاصِ»

خداوند روزه را واجب گردانید تا اخلاص را [در زندگی انسان‌ها] تثبیت نماید.^{۳۵}

۳. تقدرستی بدن

عامل بسیاری از بیماری‌ها، زیاده‌روی در





خوردن غذاهای مختلف است؛ چون مواد اضافی جذب نشده به صورت چربی‌های مزاحم در نقاط مختلف بدن، یا به صورت چربی و قند اضافی در خون باقی می‌ماند. این مواد لجن‌زارهای متعفن برای پرورش انواع میکروب‌های عفونی است و در این حال، بهترین راه برای مبارزه با این بیماری‌ها، نابود کردن این لجن‌زارها از طریق روزه است.^{۳۶}

۴. تقویت صبر و بردباری

قرآن در بیانی، مؤمنان را به صبر و پایداری دعوت کرده و می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز کمک بگیرید».^{۳۷}

مفسران معتقدند منظور از «صبر» در آیه مورد نظر «روزه» است.^{۳۸} در حقیقت روزه روحیه صبر و شکیبایی را در آدمی تقویت می‌کند و موجب رهایی انسان از تمامی مشکلات می‌شود.

۵. یادآوری قیامت برای فرد
روزه گرفتن و تحمل گرسنگی و تشنگی، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد می‌آورد و همین توجه، در رفتار و منش و اعمال او اثر بسزایی می‌گذارد. اگر انسان اعمالش را با توجه، انجام دهد و خود را موعظه کند که حسابرسی دقیقی در پیش دارد، متواضع‌تر و متخلق‌تر خواهد شد و از اجر و ثواب بیشتری برخوردار خواهد گردید. امام رضا(ع) در بیان فلسفه وجوب روزه فرمودند:

«مردم به انجام روزه امر شدند تا گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را درک کنند».^{۳۹}

یادآوری تشنگی و گرسنگی و حسابرسی دقیق روز قیامت، آدمی را از قدم برداشتن به سوی انحرافات و آلوده شدن به گناهان باز می‌دارد.

روزه حالت شکستگی و ذلت و دور شدن شرارت و طغیان از وجود است؛ هنگامی که نفس رام گردد، در برابر پروردگارش آرامش یافته و خاشع می‌شود. دیوار شهوات و قوایی که موجب معصیت می‌شود و انسان را در گناهان کبیره می‌افکند، با روزه شکسته می‌شود.

۶. پاداش الهی

پیامبر گرامی(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي بِهِ.

روزه از آن من است و من به آن پاداش می‌دهم».^{۴۰}

این حدیث در منابع اهل سنت نیز از رسول خدا(ص) از طریق «طبرانی» و «بیهقی» این گونه نقل شده است:

«رسول خدا(ص) فرمودند: ثواب اعمال نزد خدا هفت نوع است... و یکی این که ثواب، عامل آن عمل را جز خدا کسی دیگر نمی‌داند، و آن روزه است. روزه فقط مال خداست و ثواب آن را جز خدا کسی دیگر نمی‌داند».^{۴۱}

۷. آموزش گناهان

پیامبر اسلام(ص) فرمود:

«مَا مِنْ صَائِمٍ يَخْضُرُ قَوْمًا يَطْعَمُونَ إِلَّا سَبَّحَتْ أَعْضَاؤُهُ وَكَانَتْ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِ وَكَانَتْ صَلَاتُهُمْ لَهُ اسْتِغْفَارًا

هیچ روزه‌داری نیست که بر عده‌ای در حال غذا خوردن وارد شود، مگر اینکه اندام‌هایش تسبیح گویند و فرشتگان بر او درود فرستند و درود فرشتگان آمرزش خواهی است».^{۴۲}

۸. استجاب دعا

امام صادق (ع) فرمود:

«نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَ صَمْتُهُ تَسْبِيحٌ وَ عَمَلُهُ مُتَقَبَّلٌ وَ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ

خواب روزه‌دار عبادت و سکوتش تسبیح و عملش پذیرفته و دعایش مستجاب است».^{۴۳}

احمد بن حنبل و ترمذی از رسول خدا روایت کرده‌اند که: سه گروه هستند که دعای آن‌ها رد نمی‌شود، بلکه اجابت می‌شود: ۱. روزه‌دار هنگام افطار ۲... ۳^{۴۴}

۹. تضعیف شهوت

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ مَحْسَمَةٌ لِلْغُرُوقِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْأَشْرِ

بر شما باد به روزه گرفتن که آن رگ‌ها را می‌برد (شهوت را کم می‌کند) و سرمستی را می‌برد».^{۴۵}

د. فلسفه اجتماعی روزه

روزه، گاه آثاری را به همراه دارد که جنبه

اجتماعی و فراتر از امور شخصی است، در این قسمت به بررسی و بیان این آثار و حکمت‌ها بر می‌آییم:

۱. ایجاد حس همدردی و مساوات

روزه، درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است. با انجام این دستور مذهبی، افراد متمکن، وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس درمی‌یابند و این باعث می‌شود که به کمک محرومان بشتابند. هشام بن حکم، متکلم توانمند امامی، وقتی از امام صادق (ع) درباره فلسفه روزه سؤال می‌کند، امام در جواب می‌فرماید: روزه به این دلیل واجب شد که میان فقیر و غنی مساوات برقرار گردد و این بدان جهت است که غنی، طعم گرسنگی را بچشد و نسبت به فقیر ادای حق کند؛ چرا که اغنیا معمولاً هر چه را بخواهند، برای آن‌ها فراهم است. خدا می‌خواهد میان بندگان خود مساوات باشد و طعم گرسنگی و درد و رنج را به اغنیا بچشاند تا به ضعیفان و گرسنگان رحم کنند.^{۴۶}

همچنین امام رضا (ع) در فلسفه روزه این چنین می‌فرماید: علت روزه برای درک درد گرسنگی و تشنگی است تا بنده، ذلیل، متضرع و صابر باشد.

۲. موجب آرامش قلب و روح

قال الباقر (ع): «الصِّيَامُ وَالْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ

روزه و حج، آرامش دهنده قلوب آدمیان است».^{۴۷}

۳. مانعی در مقابل ناهنجاری‌های جنسی





پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) در راه تعدیل غرائز جنسی و کنترل شهوات، به جوانان یک دستورالعمل بسیار ارزشمند می‌دهد و نسل جوان را از گناهان و افسارگسیختگی‌ها جداً بر حذر می‌دارد و نظام عادلانه طبیعت را از هرج و مرج و فساد جوانان حفظ و حراست می‌نماید و در سخنان بسیار حکیمانه خویش چنین می‌فرماید:

«يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، ... وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ، فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ»

ای جوانان بر شما باد ازدواج و نکاح، (که برای اجرای این سنت نبوی بشتابید) ... و هر گاه بعضی از شما قدرت بر ازدواج ندارد، پس روزه بگیرد، زیرا روزه کنترل کننده و مهار کننده است (که باید با روزه نفس سرکش را از طغیان و تجاوز و به گناه افتادن حفظ نمود).^{۴۸}

۴. اثر تربیتی روزه در فرد و اجتماع
 آیا روزه می‌تواند در امور تربیتی اثراتی داشته باشد یا خیر؟ «از فواید مهم روزه این است که روح انسان را تلطیف و اراده انسان را قوی و غرائز او را تعدیل می‌کند».^{۴۹} به تعبیر امام علی (ع): روزه ریاضتی است سازنده؛ که اثرات تربیتی زیادی را به بار می‌آورد. ایشان می‌فرمایند:

«صَوْمُ النَّفْسِ إِمْسَاكُ الْخَوَاصِّ الْخَمْسِ عَنِ سَائِرِ الْمَآئِمِ وَ خُلُقُ الْقَلْبِ مِنْ جَمِيعِ أَسْبَابِ الشَّرِّ»

روزه جان، خودداری کردن حواس پنج‌گانه از باقیمانده گناهان است و خلوت و آسوده

ماندن دل از تمام اسباب پلید».^{۵۰}

اگر جان انسان روزه باشد، حواس پنج‌گانه، برای همیشه حواسش جمع خواهد بود و به سوی پلیدی‌ها و پلشتی‌ها، پا نخواهد نهاد. گواه این اثر تربیتی در روزه را در ماه مبارک رمضان شاهدیم؛ زیرا زمانی که به آمار جرم و جنایات در اجتماع در ماه مبارک رمضان می‌نگریم، شاهدیم که افعال مجرمانه و تخلفات در جامعه از کاهش بسیار محسوسی برخوردار است و این جز به برکت این عمل عبادی مقدور نیست.

ختم سخن

با توجه به احکام و فلسفه عبادی روزه، می‌توان نتیجه گرفت، روزه یکی از بهترین عبادات و اعمال ایجاد تعادل در جسم و روح انسان و عامل مؤثر جلوگیری کننده از بسیاری بیماری‌ها و امراض کشنده است. همچنین روزه در تعالی روح انسان و تطهیر وجود آدمی از تمامی پلیدی‌های گناهان، وسیله بسیار تأثیرگذاری است. روزه عبادتی مخفی بین آدمی و خالق است و محصول این عبادت تقوی و پرهیزگاری در تمامی احوال است. در یک کلام، روزه حقیقی می‌تواند اسباب عروج معنوی آدمی را به ملکوت اعلیٰ به وجود آورد و سرچشمه‌های حکمت و معرفت را در قلب انسان مؤمن جاری سازد. همچنین اجتماع مؤمنان را سرشار از مودت و لطافت و پاکی سازد و جامعه‌ای بدون طبقه و سالم را به وجود آورد که در آن جرمی رخ نمی‌دهد.

پی نوشت:

۱. کارشناس ارشد
۲. سوره انعام، آیه ۳۸
۳. سوره علق، آیه ۱
۴. سوره اسراء، آیه ۸۲
۵. سوره لقمان، آیه ۵
۶. سوره انبیاء، آیه ۱۶
۷. سوره حجر، آیه ۸۵
۸. سوره ص، آیه ۲۷
۹. سوره قمر، آیه ۴۹
۱۰. سوره سجده، آیه ۷
۱۱. سوره طه، آیه ۵۰
۱۲. سوره اعلی، آیه ۳
۱۳. سوره نحل، آیه ۸۹
۱۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، بدایة الحکمه، ص ۱۰
۱۵. واژه های فلسفه و علوم اجتماعی، ج ۳، ص ۳۶۶
۱۶. سیدامیرابوالفتح جرجانی، تفسیر شاهلی، ج ۱، ص ۲۲۵
۱۷. قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۶۵
۱۸. شیخ طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱۴
۱۹. شیخ طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۳۲
۲۰. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰
۲۱. مجله مکتب اسلام، شماره ۴۸ بهمن و اسفند ماه، مقاله دکتر علی اکبر شهایی
۲۲. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۱۶
۲۳. قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۹۱
۲۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۳
۲۵. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۸۳
۲۶. مفردات راغب، ص ۵۳۰، ماده وفی لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ص ۸۵۲
۲۷. ملکی تبریزی، حاج میرزا جواد، المراقبات، ص ۲۱۱
۲۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه میزان، ج ۲، ص ۲۳۱
۲۹. ارکان اسلام، ص ۱۰۸
۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۲
۳۲. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۳
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۷۵
۳۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۶۸
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۳۱
۳۶. ارکان اسلام، ص ۱۰۸
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱۰۹۲۷
۳۸. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۵۳
۳۹. علامه ورام، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۳۰۳
۴۰. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳
۴۱. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، کتاب صوم، ج ۴، ص ۶۳
۴۲. علی ناصف، شیخ منصور، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول
۴۳. نواب الاعمال، ص ۷۷
۴۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۶، ج ۱۷۸۳
۴۵. شعرانی، عبدالوهاب، مشارق الانور القدسیه فی بیان العهود المحمديه
۴۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱۰۹۱۸
۴۷. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۷۸؛ مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۱، ج ۵۳
۴۸. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۷۸؛ مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۱، ج ۵۳
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۲۸
۵۰. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۱۶

منابع و مآخذ:

۱. قرآن مجید.
۲. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۳. جرجانی، سیدامیرابوالفتح، تفسیر شاهلی، نشر نوید، تهران، ش ۱۳۶۲.
۴. حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، نشر آل البيت، قم، ۱۴۱۹ ق.
۵. شاذلی، نجم الدین، رمضان فصل خوبی ها، نشر آوای اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۶. شعرانی، عبدالوهاب، مشارق الانور القدسیه فی بیان العهود المحمديه.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، نشر کتابفروشی داوری، قم.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۹. شیخ طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، نشر دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم، صدر.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، بدایة الحکمه، نشر دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. عراقی، آقا ضیاء الدین، مقالات الاصول، نشر مجمع فکر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. علی ناصف، شیخ منصور، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول.
۱۵. غزالی، المستصفی من علم الاصول، نشر دار الذخائر، قم.
۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر، المحصول فی علم الاصول، بیروت.
۱۷. فیض کاشانی، اصول المعارف، تصحیح جلال الدین آشتیانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۸. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ش.
۱۹. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب اسلامی، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار.
۲۱. مجله مکتب اسلام، شماره ۴۸ بهمن و اسفند ماه، مقاله دکتر علی اکبر شهایی.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. موسوی لاهیجی، سیدحسین، روزه و درمان بیماری های روح و جسم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۴.
۲۵. میرعظیمی، سیدجعفر، روزه از دیدگاه قرآن و عترت، انتشارات رسالت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی بیروت چاپ هفتم.
۲۷. یراقی اصفهانی، سعیده، راهنمای جامع روزه داری، نشر شهر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.

